



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

مطابق برخی از آموزه‌های شیعی امامیه، امامت و رهبری جامعه اسلامی و جانشینی پیامبر اکرم(ص) هم با مسائل دینی و هم با امور دنیوی مرتبط بوده است و پیامبر اکرم(ص) از ابتدای دوران رسالت خود، ضمن معرفی خلیفه خویش، به مسئله امام مسلمانان پس از وفات خود، اهتمام جدی داشته است. درجه اهمیت این مسئله به گونه‌ای است که از نظر تاریخی، مهم‌ترین مسئله‌ای که پس از پیامبر(ص) مورد بحث و گفت‌وگوی مسلمانان و مخصوصاً شیعیان قرار گرفته، مسئله امامت بوده است و هیچ یک از آموزه‌های دینی، مانند مسئله امامت مورد بحث و نزاع برخی از فرق مسلمانان واقع نشده است.

از سوی دیگر، برای اثبات مسئله امامت و جانشینی پیامبر(ص)، به دلایل کلامی، تاریخی و نیز برخی از آیات قرآن کریم استشهد می‌شود. به عنوان نمونه، آیه ۱۲۴ سورة بقره «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»، که در میان شیعیان متأخر و معاصر به آیه ابتلای ابراهیم(ع) یا آیه امامت مشهور است، یکی از مهم‌ترین آیات پیرامون مسئله امامت قلمداد می‌شود. با بررسی نوشته‌ها و مقالات موجود پیرامون آیه ابتلا (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ۸۳ - ۱۰۹)، مشخص می‌شود که مجموع نکات و برداشت‌های برخی از اندیشمندان شیعی معاصر از آیه ابتلای حضرت ابراهیم (با حذف مکررات آنها) حدود ۱۴ گزاره کلامی است؛ که با دسته‌بندی موضوعی آنها و ایجاد یک ترتیب منطقی و طولی برای آنها، می‌توان مطالب استنادی این اندیشمندان را در سه دسته کلی ارائه داد:

الف - گزاره‌های مرتبط با اصل وجود امامت و برتری آن؛ همانند:

۱ - آیه ابتلای ابراهیم(ع)، پیرامون مسئله امامت است. ۲ - آیه ابتلای ابراهیم(ع)، دلیل اثبات وجود مسئله امامت است. ۳ - امامت غیر از نبوت و رسالت است. ۴ - مقام امام بالاتر از نبوت است.

ب - گزاره‌های مرتبط با انتخاب و گزینشی بودن امامت؛ همانند:

۱- امامت، انتصابی است نه انتخابی. ۲- پیامبران مورد آزمایش الهی قرار می‌گیرند. ۳- انتصاب، گزینش نیاز دارد. ۴- امامت بعد از مجموعه امتحانات خاصی، به کسی داده می‌شود. ۵ - منشأ امامت، وراثت نیست؛ بلکه لیاقت است. ۶ - امامت، عهد الهی میان خدا و مردم است.

ج - گزاره‌های مرتبط با صفات یا ویژگی‌های امام؛ همانند:

۱- امام و امامت، برای همه اقشار مردم است. ۲- امام، نمی‌تواند ظالم باشد. ۳- امامت به ظالمان نمی‌رسد. ۴- امام، معصوم است.

در این میان، تفسیر و تأویل آیه ابتلای ابراهیم(ع)، مناقشات متعددی را نیز به وجود آورده است؛ یعنی متکلمان و مفسران شیعه و سنی، مباحث گوناگون و متفاوتی را درباره این آیه مطرح نموده‌اند که تفسیر و دلالت آیه را مشکل و پیچیده نموده است (مثلاً، مفسران درباره واژه «کلمات» چند نظر ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه نک: طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۳۷۷/۱-۳۷۸). بنابراین، برای پرداختن و نقد و بررسی دلالت آیه ابتلای ابراهیم در مسائل امامت، لازم است پیشاپیش، مسائلی همچون «بررسی سیر تاریخی و پیشینه استشادات به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در مسئله امامت» پژوهش و ردیابی گردند.

۲- بیان مسئله

درباره مسئله امامت، چند رویکرد می‌توان برگزید: الف. رویکرد عقلی و فلسفی، بدون استفاده از آیات و روایات. ب. رویکرد اثری، متنی و نقلی. ج. رویکرد ترکیبی (از دو عنوان قبلی). این رویکردها، حداقل در رویکرد اثری و متنی، سه حالت مشخص دارد: ۱- مسئله مورد بحث، سابقه‌دار است و استناد به آیات قرآن پیرامون آن مسئله نیز، سابقه‌دار است. ۲- مسئله مورد بحث، جدید است. ۳- مسئله مورد بحث، سابقه‌دار است؛ اما استناد به آیات قرآن پیرامون آن مسئله، جدید هستند. به این معنی که پیش‌تر و در قرون متقدم، گفتگوها و مناقشاتی پیرامون آن مسئله صورت گرفته است؛ اما برای پشتیبانی آن از یک آیه خاص قرآن، سود نجسته‌اند؛ و استدلال به این آیه خاص، برای آن مسئله متقدم، «پسینی» و از تراوشات فکری و استدلالی اندیشمندان متأخر است.

از سوی دیگر، دو روش برای این رویکرد، قابل پیگیری است: یک. تبیین مفهوم امامت به وسیله آیات قرآن با مختصات دوره حیات پیامبر(ص). دو. تبیین مفهوم امامت به وسیله آیات قرآن با مختصات و مفاهیم ایجاد شده بعد از رحلت پیامبر(ص). با توجه به این نکات، اکنون لازم است تا به چند مرحله و دوره زمانی یا به عبارت دیگر، سیر تاریخی در استنادات به آیه ابتلای ابراهیم برای مسئله امامت (از جهات مختلف) پرداخته شود:

الف - بررسی روایات ذیل آیه ابتلای ابراهیم(ع).

در پژوهش از روایات ذیل آیه ابتلای ابراهیم(ع) در منابعی همچون «سلوة الحزین، امالی طوسی، احتجاج طبرسی، خصال، کمال الدین، معانی الأخبار و ...»، روشن گشته است که، روایات اندکی (حدود ۱۳ روایت) ذیل آیه ۱۲۴ بقره موجود

هستند؛ که البته بیشتر آنها (جز چند مورد که مشکوک هستند)، اشاره‌ای به مسئله امامت عامه و خاصه (مورد نظر ما شیعیان معاصر) ندارند؛ و به نوعی روایات تفسیری از موضوع اصل امامت جدا هستند (نک: استادی، ۱۴۰۲ش: ک، سراسرمتن).

ب - بررسی آیه ابتلا در تفاسیر کهن شیعی.

پژوهش در تفاسیر کهن شیعی، همچون: «تفسیر ابن عباس؛ تفسیر ابو حمزه ثمالی؛ تفسیر ابوالجارود؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان؛ تفسیر تستری؛ تفسیر الحبري؛ تفسیر قمی؛ تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)» نیز، روشن نموده است که مفسران متقدم شیعه، حداقل تا قرن چهارم، آیه ابتلای ابراهیم(ع) را دلیل اثبات وجود مسئله امامت، نگرفته‌اند؛ و به این آیه در زمینه امامت خاصه استشهاد نکرده‌اند (نک: استادی، ۱۴۰۳ش: سراسرمتن).

ج - بررسی آیه ابتلا در منابع کلامی و امامتی کهن شیعی.

در بررسی حدود بیست و نه اثر کلامی و امامتی از منابع شیعه تا قرن پنجم، مشخص شده است که، حداقل تا اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، خبری از استناد و استدلال به آیه ابتلای ابراهیم(ع) برای مسئله امامت با تعاریف خاص شیعی از آن، در بیشتر این منابع وجود ندارد؛ و موارد اندکی مرتبط با مسئله امامت، آن هم در برخی منابع قابل تأمل و مخدوش، درج شده‌اند (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ظ، سراسرمتن).

جدای از این بررسی‌های کتاب‌شناختی درباره آیه ابتلاء، و صرف نظر از روایات و احادیث شیعی ذیل آیه ابتلای ابراهیم(ع) که می‌توانند به نوعی با عنوان «اولین استشهادات» به این آیه، در مسئله امامت محسوب شوند، اکنون دانستن «سیر تاریخی» استشهاد به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در منابع مختلف شیعی، بسیار حائز اهمیت است؛ به این دلیل که در مجادلات و مناقشات شیعه و عامه، بهترین راه استدلال برای

بررسی پیشینه استشهدات به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در مسئله امامت / کاظم استادی ۱۹

پیروزی، استفاده از آیات قرآن کریم است؛ که مورد قبول اهل سنت نیز هست. بنابراین، مهم است که بدانیم اولین استشهدات به آیه ابتلاء و مرتبط با مسئله امامت، در کدام یک از منابع و در چه قری رخ داده است؛ تا از این رهگذر، سیر تاریخی و پیشینه مسئله روشن شود و نتایجی از آن به دست آید.

در پژوهش پیش رو، با توجه به این سؤالات: «۱- اولین استشهدات به آیه ابتلای ابراهیم(ع) برای مسئله امامت، در کتب «کلامی، حدیثی و تفسیری»، کجا و در چه زمانی شکل گرفته‌اند. ۲- استشهدات به آیه ابتلا پیرامون امامت در دوره جدید و معاصر، دارای چه وضعیت یا ابعادی هستند؟» با روش پژوهش کتابخانه‌ای به بررسی زمانی و پیشینه استشهدات به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در مسئله امامت، پرداخته خواهد شد.

۳- پیشینه

با جستجو در منابع اطلاعاتی، حدود سی و شش اثر مستقل با موضوع آیه ابتلاء یافته شد، که کتابشناسی آنها در سال ۱۴۰۱ش منتشر شده است (نک: استادی، ۱۴۰۱ش: ص، ۸۳ - ۱۰۹) و تعدادی از این آثار در بخش‌های آخر ذکر خواهد شد (بنابراین از درج آنها خودداری می‌شود)؛ اما برخی از آثار در این باره، مستقیماً با مسئله مقاله حاضر، مرتبط هستند؛ که عبارتند از:

- اسماعیلی، مهران و ربابه نبی‌الهی (۱۳۹۷ش)، «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنی عشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه»، آئینه معرفت، بهار شماره ۵۴.

- استادی، کاظم (۱۴۰۱)، ظ، «بررسی تاریخیچه استدلال به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در منابع کلامی و امامتی کهن شیعی برای مسئله امامت»، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۶۵-۲۹۲.

- استادی، کاظم (۱۴۰۲ش)، ک، «ارزیابی نسبت مفهوم اصطلاحی امامت در آیه ابتلائی ابراهیم(ع) مبتنی بر روایات شیعه»، پژوهشنامه معارف اهل بیت(ع)، دوره ۲، شماره ۵، صص ۳۲-۵۶.

استادی، کاظم (۱۴۰۳ش)، «آیه ابتلا (بقره/۱۲۴) و رد پای مسئله امامت در تفاسیر کهن شیعی»، پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۱ دی ۱۴۰۲ش.

این نوشته‌ها و مقالات، به احصاء و بررسی منابع کلامی و امامتی کهن شیعی به نسبت آیه ابتلائی ابراهیم(ع) و مسئله امامت در مفهوم مشهور کنونی آن، پرداخته‌اند. اما پژوهش پیش‌رو، اختصاصاً به بررسی سیر تاریخی اولین استشهادات به آیه ابتلاء در منابع گوناگون توجه داشته است، هر چند جمع‌بندی همان پژوهش‌ها است، ولی به نظر می‌رسد اولین پژوهش گزارشی سیر تاریخی استشهادات آیه ابتلاء باشد.

۴- اولین استشهادات به آیه ابتلاء در مسئله امامت

با جستجو در منابع برای کشف اولین استشهادات به آیه ابتلاء در مسئله امامت، سه دسته از منابع قابل بررسی هستند: «منابع کلامی شیعی»، که قاعداً محل این مباحث پیرامون امامت هستند؛ «منابع تفسیر شیعی»، که ممکن است به مناسبت تفسیر آیه ابتلائی ابراهیم(ع)، اشاره‌ای به مسئله امامت کرده باشند؛ و در آخر، «منابع حدیثی»، که شاید توضیحی ذیل این آیه داده باشند و این توضیح، مرتبط با مسئله امامت باشد. به عبارت دیگر، استناد و استشهاد به آیه ابتلاء در این نوشتار، فقط شامل استنادات امامتی است؛ یعنی افراد و منابعی که پیرامون مسئله امامت، به این آیه استناد نموده‌اند.

پس از ذکر این نکته، اکنون لازم است تا مشخص شود که، اولین استشهدات به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در مسئله امامت عامه یا خاصه و البته اصل وجود امامت، در چه زمانی و در چه آثاری، شکل گرفته است.

۴-۱- اولین استشهد کتب روایی به آیه ابتلا برای مسئله امامت

از آنجا که مسئله ربط و ارتباط، به نوعی نسبی است؛ ممکن است برخی افراد، مطلبی را مرتبط با مطلب دیگری بدانند و برخی دیگر، آن مطلب را مرتبط ندانند. بنابراین، مناسب است حتی الامکان، اولین استشهد مرتبط با مسئله امامت، در مواردی مجزا، جستجو و مطرح گردند. اما اولین استشهد کتب روایی به آیه ابتلا برای مسئله امامت، می تواند از دو جنبه صورت بگیرد:

۴-۱-۱- اولین حدیث به نسبت روایت منقول از امام(ع)

در رابطه با آیه ابتلای ابراهیم(ع) از شش معصوم علیهم السلام روایاتی نقل شده است؛ که شامل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (م۱۱ق)، حضرت امیر علیه السلام (م۴۰ق)، امام باقر علیه السلام (م۱۱۴ق)، امام صادق علیه السلام (م۱۴۸ق)، امام رضا علیه السلام (م۲۰۳ق)، امام عسکری علیه السلام (م۲۶۰ق). شاید اولین روایتی که با مسئله امامت مرتبط است، حدیثی از امام باقر(ع) در تفسیر فرات کوفی (م۳۵۲ق) باشد (کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۲۲).^۱

این حدیث در همین کتاب تفسیر فرات کوفی و در ادامه حدیث بالا، با اضافات تکرار شده است (کوفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۶: ۱۴۱، با تفاوت ناقل اصلی که ابن عباس است، ذکر شده است).

۱. قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ [قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَكَمِ] مُعْتَمِدًا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ اللَّهِ وَدَعَا رَبَّهُ فَقَالَ « رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ » فَتَأَلَّتْ دَعْوَتُهُ النَّبِيِّ (ص) فَأَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالنَّبُوءَةِ وَتَأَلَّتْ دَعْوَتُهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (ع) فَأَخْتَصَّهُ [فَاخْتَصَّهُ] اللَّهُ بِالْإِمَامَةِ وَالْوَصِيَّةِ.

۴-۱-۲- اولین حدیث یا روایت به نسبت منابع مکتوب شیعه

اولین حدیث به نسبت شاخصه وجود در یک «کتاب» و تاریخ گذاری اثری، دو وضعیت دارد؛ اگر کتاب بصائر الدرجات منسوب به صفار قمی (م ۲۹۰ق) را اصیل بدانیم، اولین حدیث استشهد شده به مسئله امامت، بر اساس یک اثر متقدم، از این کتاب است (صفار، ۱۴۰۴ق، ۵۰۹).

ولی اگر این کتاب را اصیل ندانیم (نک: انصاری، ۱۳۸۸ش، سراسرمتن؛ جباری، ۱۳۸۴ش، ۲۷۷ و ۲۸۳)؛ اولین روایت و حدیث استشهدی به مسئله امامت از کتاب تفسیر عیاشی (م ۳۲۰ق) و نیز کافی کلینی (م ۳۲۹ق) است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۵۷؛^۱ کلینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱: ۱۹۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق، ۲۱۶).

۱. يُنْكِرُونَ الْإِمَامَ الْمُفْتَرَضَ الطَّاعَةَ وَ يَجْحَدُونَ بِهِ وَ اللَّهُ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْزِلَةٌ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ وَ قَدْ كَانَ إِبْرَاهِيمُ دَهْرًا يُنْزَلُ عَلَيْهِ الْأَمْرُ مِنَ اللَّهِ وَ مَا كَانَ مُفْتَرَضَ الطَّاعَةِ حَتَّىٰ بَدَأَ لِلَّهِ أَنْ يُكْرِمَهُ وَ يُعْظِمَهُ فَقَالَ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَعَرَفَ إِبْرَاهِيمُ مَا فِيهَا مِنَ الْفَضْلِ «قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» فَقَالَ «لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ أَيُّ إِنَّمَا هِيَ فِي ذُرِّيَّتِكَ لَا يَكُونُ فِي غَيْرِهِمْ.

۲. كنا بمكة فجزى الحديث في قول الله «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» قال: أتمهن بمحمد و علي و الأئمة من ولد علي (ص)، في قول الله «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». ثم قال: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ: «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» قال: يا رب و يكون من ذرئتي ظالم قال: نعم فلان و فلان و فلان و من اتبعهم، قال: يا رب فعجل لمحمد و علي ما وعدتني فيهما، و عجل نصرک لهما و إليه أشار بقوله «وَ مَنْ يَرْغُبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مِنْ سَفَةٍ نَفْسُهُ - وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا - وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لِمِنَ الصَّالِحِينَ» فالملمة الإمامة فلما أسكن ذريته بمكة قال: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ - غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» إلى قوله «مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ» فاستثنى من آمن خوفا أن يقول له لا - كما قال له في الدعوة الأولى «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» فلما قال الله: «وَ مَنْ كَفَرَ فَاْمَتَّعْهُ قَلِيلًا - ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بَسَّ الْمُصِيرُ» قال: يا رب و من الذين متعتهم قال: الذين كفروا بآياتي فلان و فلان و فلان.

۳. كُنَّا مَعَ الرِّضَا (ع) يَمْشُونَ فَاجْتَمَعْنَا فِي الْجَامِعِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي بَدْءِ مَقْدِمَانَا فَأَدَارُوا أَمْرَ الْإِمَامَةِ ... إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدَرًا وَ أَكْبَرُ شَأْنًا وَ أَعْلَىٰ مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرْوَاحِهِمْ أَوْ يَقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ إِنَّ الْإِمَامَةَ خَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ (ع) بَعْدَ النَّبِيِّ وَ الْخَلَّةَ مَرْتَبَةً ثَالِثَةً وَ فَضِيلَةً شَرَفَهُ بِهَا وَ أَشَادَ بِهَا ذِكْرَهُ فَقَالَ «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فَقَالَ الْخَلِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُرُورًا بِهَا «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «لَا يَنْأَلُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ فَابْطَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ إِمَامَةً كُلِّ ظَالِمٍ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ... هَمَجِينِ نگاه كنید: الأُمالي (للصدوق)، ج ۱ ص ۶۷۴. نیز: الاحتجاج، ج ۲ ص ۴۳۳. نیز: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰. نیز با طریق متفاوت، در این آثار آمده است: عیون الأخبار، ج ۱، ص ۲۱۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ معانی الأخبار، ج ۱، ص ۹۶؛ إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۵۵۳؛ وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۷۰؛ تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۲۸۲.

۴-۲- اولین استشهاد کتب کلامی (استدلالی) به آیه ابتلا برای مسئله امامت

با توجه به بررسی‌ها انجام شده در منابع کلامی و امامتی از قرن اول تا انتهای قرن چهارم و یافته‌های به دست آمده، می‌توان گفت که، جدای از کتاب الايضاح (نک: ابن‌شاذان، ۱۳۵۱ش، ۹۵) که انتساب آن به ابن‌شاذان (م ۲۶۰ق) مشکوک^۱ و به احتمال قوی نادرست است^۲، به نظر می‌رسد که اولین کتابی که به آیه ابتلای ابراهیم(ع) استناد نسبتاً روشن و مشخص نموده است، کتاب شرح الاخبار اثر قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق)، یعنی قاضی اسماعیلی خلفای فاطمی، است. وی در جزء ششم از کتاب، در احتجاج امیرالمؤمنین(ع) با قاسطین، در مطلب «سعد بن ابی وقاص و الولید بن عقبه» در جواب و مجادله این قول:

این علیا(ص) لم يأخذ الخلافة من جهة التشاور كما أخذها عثمان، ولا نصّ عليه عثمان كما نصّ أبو بكر على عمر، ولا اجتمعت الامة عليه كما اجتمعوا على أبي بكر^۳.
به آیه ابتلای ابراهیم(ع) پیرامون مسئله امامت، استناد نموده است (مغربی، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۱۲۱-۱۲۳).

۱. برخی آن را به محمد بن جریر بن رستم طبری صاحب المسترشد نسبت می‌دهند؛ که از آن میان می‌توان به قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین، مرحوم شوشتری در قاموس الرجال و دکتر مدرسی در مکتب در فرایند تکامل اشاره کرد. (نک: شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۱۱ و ج ۲، ص ۴۱۱. نیز: مدرسی طباطبایی، حسین، مکتب در فرایند تکامل، مترجم هاشم ایزدپناه، کویر، تهران، ۱۳۹۴ش، ص ۸۹).

۲. به نظر حقیر، کتاب الايضاح نه از ابن‌شاذان و نه از ابن‌رستم طبری است؛ و مؤلف آن، همانند کتابی که المسترشد خوانده می‌شود، مجهول است. (نک: استادی، ۱۴۰۰ش: ۲۶۹-۲۹۳).

۳. این قول، ظاهر قول ابوعثمان عمرو بن بحر جاحظ بصری معتزلی (م ۲۵۶ق) در کتاب الرسائل السياسية است: ... وأنت لم تأخذها من جهة التشاور والتخاير كما أخذها عثمان، ولا نصّ عليك عثمان كما نصّ أبو بكر على عمر، ولا أجمعت عليك الأمة من تلقاء أنفسها كما أجمعت على أبي بكر... (الجاحظ، الرسائل السياسية، دارالهلال، بيروت، ۲۰۰۲م، ص ۳۸۶).

البته این کتاب بسیار کم نسخه، و از طرفی نسخه‌های آن مشوش و درهم است که توسط محقق کتاب به صورت یک پارچه تنظیم شده است (مغربی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: مقدمه). بنابراین، به صورت حتمی و قوی نمی‌توان ادعا نمود که این استشهاد کهن است و ممکن است متن مربوط به قرن چهارم نباشد یا از مطالب حاشیه‌ای بر نسخه خطی کتاب شرح الاخبار باشد. برای دقت بهتر در مشوش بودن اجزاء کتاب در نسخه‌های خطی، جدول زیر را ملاحظه بفرمایید (فصل‌های موجود در هر نسخه، با علامت + مشخص شده‌اند).

وضعیت نسخه‌ها کتاب شرح الاخبار قاضی نعمان، به اجزاء کتاب																	
نسخه	تاریخ	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
۱ عکس نسخه‌لندن ۶۵۱ مرعشی	۱۱۱۶									+	+	+	+				
۲ عکس نسخه‌لندن ۶۵۰ مرعشی	۱۱۲۶		+	+	+			+	+								
۳ نسخه رضوی ۳۳۲۴۴	قرن ۱۲		+	+	+	+	+										
۴ عکس نسخه‌لندن ۶۵۲ مرعشی	۱۲۹۵													+	+	+	+
۵ نسخه مرعشی ۴۲۰۲	۱۳۱۶		+	+													
۶ نسخه مرعشی ۳۷۳۱	۱۳۱۶					+	+										
۷ نسخه دانشگاه تهران ۹۶۶	۱۳۲۸		+	+	+	+	+										
۸ نسخه مرعشی ۳۷۰۵	۱۳۵۰							+	+								
۹ نسخه رضوی ۳۴۸۲۴	۱۳۹۴									+							
۱۰ عکس نسخه هـ (عبدولی)	؟									+	+	+	+				
۱۱ عکس نسخه لندن ۲۵۴۳۲	؟													+	+		
جمع‌بندی تعداد نسخ به اجزاء	-	۴	۴	۲	۴	۳	۵	۴	۲	۳	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۱

همچنین پس از شرح الاخبار، کتاب المسترشد منسوب به ابن رستم طبری (ق ۳ یا ۴) می‌باشد؛ البته اگر آن را اصیل بدانیم، که ظاهراً اصیل نیست (نک: استادی، ۱۳۹۹ش، سراسر متن)، این آثار، جزء اولین استشهادات کتب کلامی به این آیه است.

جدای از این استشهدات که به نظر می‌رسد استشهادی غیر تاریخی و ذوقی برای مسئله امامت باشند، توجه به این نکته بسیار مهم است که آیه ابتلای ابراهیم(ع) چه مستقل و چه به عنوان شاهی بر مسئله امامت، در آثار شیخ مفید (۴۱۳ ق.) به چشم نمی‌خورد. با اینکه شیخ مفید پیشتاز و وزنه مهم مباحث امامت در مذهب شیعه بوده است؛ و از سوی دیگر، شیوة وی در آثار امامت‌اش، بیشتر جدلی است؛ به طوری که برای اثبات مسائل امامت، حتی به قیاس نیز استناد کرده است؛ اما با این حال، شیخ مفید در آثار متعدد خود پیرامون امامت، همانند: «الافصاح فی الامامه، ارشاد، جمل، امالی، الفصول المختاره، تفضیل امیرالمومنین علی سایر الصحابه، مسئله فی النص الجلی، النص علی امیرالمومنین، الخلافه، اقسام المولی فی اللسان، رساله معنی المولی، امامه امیرالمومنین(ع) من القرآن، المسائل الجارودیه، تفضیل الائمه علی الملائکه، المساله المقنعه فی امامه امیرالمومنین، انت منی بمنزله هارون من موسی، الثقلان، و...» به آیه ابتلای ابراهیم(ع) به عنوان شاهی برای پشتیبانی مسئله امامت، استشهد نکرده است. به عنوان نمونه، کتاب الإفصاح فی الإمامة در اثبات عقاید شیعه درباره امامت و جانشینی پیامبر اکرم(ص) است (نک: مفید، ۱۴۱۳ ق، سراسرمتن)؛ و بنا بر اشاره، مؤلف در ابتدای کتاب، هر آنچه در موضوع امامت ذکر آن لازم بوده، در این کتاب آمده؛ به طوری که موضوع امامت با این گستردگی، در کتاب‌های پیشین وی بررسی نشده است و مؤلف با استفاده از استدلال‌های کلامی به اشکالات پیرامونی موضوع امامت و آراء مختلف فرقه‌های اسلامی (مانند معتزلی‌ها، حشویه‌ها و خوارج) جواب داده است. با این حال، خبری از آیه ابتلای ابراهیم(ع) و استناد و استشهد به این آیه نیست؛ گویی که تفسیر و مفهوم این آیه در نزد شیخ مفید و علماء متقدم، موضوعی مرتبط با مسئله امامت نبوده است.

اما پس از شیخ طوسی، استدلال به آیه ابتلاء باب و مرسوم گشت و به شاگردان وی و علمای بعدی نیز منتقل شد. شیخ طوسی در کتاب الرسائل العشر، در رساله «مسألة فی الفرق بین النبی والامام»، در این باره مطالبی نوشته است (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱۱۱-۱۱۴).^۱

همچنین، تقی‌الدین بن نجم‌الدین، معروف به ابوالصلاح حلبی (م ۳۷۴ق)، فقیه و متکلم امامی و از شاگردان شیخ طوسی نیز از آیه ابتلاء برای طرح مسئله امامت سود جسته است (حلبی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۹۱).^۲

۱. که بخش‌ها ضروری آن ذکر می‌گردد: الفرق بین النبی والامام و بیان فائدة کل واحدة من اللفظین، وهل یصح انفکاک النبوة من الامامة علی ما یدهب الیه کثیر من أصحابنا الامامية ام لا؟ والامامة داخله فی النبوة ولا یجوز أن یشکک نبیا ولا یشکک اماما علی ما یدهب الیه آخرون، وأی المذهبین أصح؟ وأنا مجیب الی ما سأله مستعینا بالله. اعلم أن معنی قولنا: نبی، هو انه مؤد عن الله تعالی بلا واسطة من البشر ولا یدخل - علی ذلك - الامام ولا الامة ولا الناقلون عن النبی(ص) وان كانوا بأجمعهم مؤدین عن الله بواسطة من البشر وهو النبی. وانما شرطنا بقولنا من البشر لان النبی صلی الله علیه وآله أيضا یروی عن الله تعالی بواسطة لكن هو ملك وليس من البشر ولا یشکره فی هذا المعنی الا من هو نبی. ... ولا خلاف أيضا بین أهل السیر أن النبوة فی بنی اسرائیل كانت فی قوم والملك فی قوم آخرین وانما جمع الامر ان لانبیاء مخصوصین مثل داود علی خلاف من أهل التوراة فی نبوته - وسليمان - علی مذهب المسلمین - ونبینا صلی الله علیه و وذلك بین جواز انفکاک النبوة من الامامة أوضح بیان. وأیضا فقد قال الله تعالی لنبیه ابراهيم علیه السلام لما ابتلاه الله بكلمات فاتمهن قال: انی جاعل [ک] للناس اماما، فوعده أن یشکک اماما لانام فاماما اوجبه الله علیه جزاء له علی ذلك، فلو كانت النبوة لا تنفصل من الإمامة لما كان لقوله: انی جاعلک للناس اماما معنی، لانه من حيث كان نبیا وجب أن یشکک اماما علی قول المخالف، كما لا یجوز أن یقول: انی جاعلک للناس نبیا وهو نبی. فان قيل «إِنِّي جاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» بمعنی جعلتک اماما قلنا: هذا فاسد من وجهین: احدهما أنه تعالی جعل وعده بأن یشکک اماما جزاء علی قیامه بما ابتلاه الله تعالی به من الکلمات وذلك لا یلیق الابان یشکک المراد به الاستقبال ولو لا ذلك لما قال ابراهيم علیه السلام (وَمِنْ ذُرِّيَّتِي) أئمة عقیب ذلك. والثانی اسم الفاعل اذا كان بمعنی الماضي لا یعمل عمل الفعل ولا یصح أن ینصب به ألا ترى الی القائل اذا قال: «انی ضارب زیدا» لا یجوز أن یشکک المراد بضارب الا اما الحال او الاستقبال ولا یجوز أن یشکک ما مضی، ولو أراد أنا ضارب زید أمس لم یجز أن ینصب به زیدا، والله تعالی نصب «بجاعلک» فی الآیه «إمامًا» وجب أن یشکک المراد به اما الحال أو الاستقبال دون الماضي، والنبوة كانت حاصلة له قبل ذلك. فبان هذه الجملة انفصال احدي المنزلتين من الاخری وأن من قال: احداها یقتضی الاخری علی کل حال فبعید من الصواب. وهذه الجملة كافية فی هذا الباب.

۲. و می‌نویسد: ... و فیما مضی لنا وبأتی من الأدلة ما یقتضی فساد إمامتهم ففسد لذلك ما صحته فرع صحته. ومنها أنه تعالی أطلق طاعة أولى الأمر قطاعته تعالی ورسوله ولم یخصها بشیء وذلك یقتضی عصمتهم لأن تجویز التقیح علی المأمور بطاعته علی الإطلاق یقتضی الأمر بالقیح أو بإباحة ترك الواجب من طاعته وكلا الأمرین ->

۴-۳- اولین استشهادهای کتب تفسیری به آیه ابتلا برای مسئله امامت

در کتاب‌های تفسیری کهن، اثری از استناد به آیه ابتلاء به عنوان مسئله امامت با مفهوم خاص شیعی نیست؛ اما وقتی به قرن چهارم هجری می‌رسیم، در دو تفسیر، یعنی تفسیر عیاشی و تفسیر فرات کوفی به مطالبی مرتبط با مسئله امامت ذیل آیه ابتلاى ابراهيم(ع) برمی‌خوریم (عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۵۷؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق، ۲۲۲).^۲

فاسد ولا أحد قطع بعصمة أمراء السرايا فيطل توجه الآية إليهم. ترتيب آخر إطلاق طاعة أولى الأمر يقتضى عصمتهم لقبح الأمر مطلقا بطاعة مواقع القبيح ولا أحد قال بعصمة أولى الأمر إلا خص بها عليا والظاهرين من ذريته عليهم السلام. ومنها قوله تعالى «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ». فنفي سبحانه أن ينال الإمامة ظالم وهذا يمنع من استحقاق سمة الظلم وقتا ما من الصلاح للإمامة لدخوله تحت الاسم المانع من استحقاقها. وأيضا فإنه سبحانه أخبر بمعنى الأمر أن الظالم لا يستحقها وخبره متعلق بالمخير على ما هو به فيجب فساد إمامة من يجوز كونه ظالما وذلك يقتضى وقوف صلاحها على المعصوم ويوجب فساد إمامة أبي بكر وعمر وعثمان والعباس لوقوع الظلم منهم ولعدم القطع على عصمتهم وإذا بطلت إمامة هؤلاء ثبتت إمامة علي(ع) لأنه لا قول لأحد من الأمة خارج عن ذلك. وتبطل إمامتهم من الآية بأن جوابه تعالى بنفى الإمامة عن الظالم خرج مطابقا لسؤال إبراهيم(ع) وذلك يقتضى اختصاصه لمن كان ظالما ثم تاب لقبح سؤال الإمامة للكافر في حال كفره ووقوع الكفر من هؤلاء معلوم فيجب دخوله تحت النفي...

۱. كنا بمكة فجرى الحديث في قول الله «وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ» قال: أتمهن بمحمد و علي و الأئمة من ولد علي(ص)، في قول الله «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ». ثم قال: إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ: «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» قال: يا رب و يكون من ذريتي ظالم قال: نعم فلان و فلان و فلان و من اتبعهم، قال: يا رب فعجل لمحمد و علي ما وعدتني فيهما، و عجل نصرک لهما و إليه أشار بقوله «وَ مَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ - وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا - وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» فالملة الإمامة فلما أسكن ذريته بمكة قال: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ - غَيْرَ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» إلى قوله «مِنَ الشَّجَرَاتِ مِنْ أَمْنٍ» فاستننى من آمن خوفا أن يقول له لا - كما قال له في الدعوة الأولى «وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» فلما قال الله: «وَ مَنْ كَفَرَ فَاْمُتُّهُ قَلِيلًا - ثُمَّ اضْطَرَّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَ بئْسَ الْمَصِيرُ» قال: يا رب و من الذين متعتهم قال: الذين كفروا بآبائي فلان و فلان و فلان.

۲. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ اللَّهِ دَعَا رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ اجْنُبْنِي وَ بَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ فَنَالَتْ دَعْوَتُهُ النَّبِيَّ(ص) فَأَكْرَمَهُ اللَّهُ بِالنَّبُوَّةِ وَ نَالَتْ دَعْوَتُهُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ع فَاخْتَصَّهُ [فاستخسه] اللَّهُ بِالْإِمَامَةِ وَ الْوَصَايَةِ وَ قَالَ اللَّهُ يَا إِبْرَاهِيمَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ إِبْرَاهِيمُ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ قَالَ الظَّالِمُ مَنْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ وَ ذَبَحَ لِلْأَصْنَامِ وَ لَمْ يَبْقَ أَحَدٌ مِنْ قُرَيْشٍ وَ الْعَرَبِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُبْعَثَ النَّبِيُّ ص إِلَّا وَ قَدْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ وَ عَبَدَ الْأَصْنَامَ وَ ذَبَحَ لَهَا مَا خَلَا عَلَىٰ بَنِي أَبِي طَالِبٍ (ع) فَإِنَّهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْهِ الْقَلَمُ أَسْلَمَ فَلَا يَكُونُ إِمَامًا أَشْرَكَ بِاللَّهِ وَ ذَبَحَ لِلْأَصْنَامِ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

جدای از این روایات تفسیری که در منابع تفسیر روایی ذکر شده‌اند، با بررسی کتاب‌های تفسیری کهن، به نظر می‌رسد که اولین استناد و استشهاد به این آیه در مسئله امامت، توسط شیخ طوسی در تفسیر تبیان صورت گرفته است (طوسی، ۱۳۷۶ق، ج ۱: ۴۴۹).^۱

۵- برخی از استشادات در قرون میانی

استناد به آیه ابتلای ابراهیم (ع) برای مسئله امامت، در آثار میانی شیعه، اعم از کلامی، تفسیری و حدیثی، متعدد و پرشمار شده‌اند؛ به همین خاطر، برای جلوگیری از طولانی شدن متن، از درج همه آنها خودداری نموده و فقط به یک مورد از آنها به عنوان نمونه اکتفا می‌کنیم:

نهج الإیمان، اثر ابن جبیر (از علمای قرن هفتم)

این کتاب در ۴۸ فصل تنظیم شده است؛ وی پس از مقدمه‌ای در وجوب امامت و بیان حقیقت آن، وجوب نصب امام از طرف خدا، شیوة حکما در اثبات لزوم امامت، برخی از ادلة وجوب امامت، عصمت امام، دلیل افضلیت امام و ذکر برخی از معجزات امیرالمؤمنین (ع) به بیان عناوین فصول کتاب پرداخته است. این فصول ۴۸ گانه، با

۱. او ذیل آیه ۱۲۴ بقره می‌نویسد: ... واستدل اصحابنا بهذه الآية على ان الامام لا يكون إلا معصوما من القبائح، لان الله تعالى نفى ان ينال عهده - الذى هو الامامة - ظالم، ومن ليس بمعصوم فهو ظالم؛ إما لنفسه، أو لغيره. فان قيل: انما نفى ان يناله ظالم - فى حال كونه كذلك - فاما اذا تاب وأُتَاب، فلا يسمى ظالما، فلا يمتنع أن ينال. قلنا: اذا تاب لا يخرج من أن تكون الآية تناولته - فى حال كونه ظالما - فاذا نفى ان يناله، فقد حكم عليه بانه لا ينالها، ولم يفد انه لا ينالها فى هذه الحال دون غيرها، فيجب ان تحمل الآية على عموم الاوقات فى ذلك، ولا ينالها وإن تاب فيما بعد. واستدلوا بها ايضا على أن منزلة الامامة منفصلة من النبوة، لان الله خاطب ابراهيم (ع) وهو نبى، فقال له: انه سيجعله إماما جزاء له على اتمامه ما ابتلاه الله به من الكلمات، ولو كان إماما فى الحال، لما كان للكلام معنى، فدل ذلك على ان منزلة الامامة منفصلة من النبوة. وانما أراد الله أن يجعلها لابراهيم (ع) وقد أُمليتنا رسالة مقررة فى الفرق بين النبى، والامام، وان النبى قد لا يكون إماما على بعض الوجوه، فاما الامام فلا شك انه يكون غير نبى...

«شرحی درباره آیه تطهیر» آغاز و با فصلی تحت عنوان «مناقب امیر المؤمنین(ع) از کثرت به شماره درنمی‌آیند»، پایان پذیرفته است.

در این کتاب تفسیر آیاتی همچون آیه خاتم (سورة احزاب، آیه ۴۰)، «إني جاعلك للناس إماماً»، «إنما أنت منذر و لكل قوم هاد»، «يا أيها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين»، آیه «أولوا الأرحام»، «وأولئك هم خير البریط [البریة]»، «أفمن كان على بينة من ربه» و «من عنده أم الكتاب» آمده و به آنها استناد شده است.

همچنین، در «الفصل الرابع» فی قوله تعالى «إني جاعلك للناس إماماً»، مؤلف تأویلات امامتی روشنی را از آیه ابتلاء، استفاده نموده است و از پشتیبانی به این آیه برای امامت سود جسته است (ابن جبیر، ۴۱۸ق، ۱۵۱).

۱. در این اثر آمده است: قال الله تعالى لإبراهيم(ع) «إني جاعلك للناس إماماً قال ومن ذريتني قال لا ينال عهدي الظالمين». فبين تعالى بمحكم القرآن العظيم أن من كان ظالماً في وقت من الأوقات لا يجوز أن يكون إماماً، والشرك بالله تعالى هو الظلم، قال الله تعالى «إن الشرك لظلم عظيم». وحقيقة الظلم وضع الشيء في غير موضعه، والمشرک قد وجه عبادته إلى الأصنام أو غيرها وهي غير مستحقة للعبادة. ويتبين على ذلك إمامة علي بن أبي طالب(ع) بلا فصل، لأن من تولى الأمر غيره كان ظالماً فيما سلف من أحواله في عبادته لمن لا يستحق العبادة. وإذا بطلت إمامة من تقدمه بهذا الاعتبار ثبتت إمامته بعد النبي(ص) بلا فصل. فإن قيل: من أين أن المراد بلفظة «عهدي» الإمامة، وهي كلمة محتملة للإمامة وغيرها: قيل: دلالة موضوع اللفظ على ذلك، لأنه سبحانه وتعالى قال لإبراهيم «إني جاعلك للناس إماماً» وحكى عنه قوله: «ومن ذريتني»، ومعلوم أن إبراهيم(ع) أراد: واجعل من ذريتني أئمة، بدلالة قولهم: علفتها تبناً وماء بارداً أراد: وسقيتها ماء بارداً. ثم قال تعالى عقيب ذلك «لا ينال عهدي الظالمين»، فأشار بالعهد إلى ما تقدم من سؤال إبراهيم، ليطابق الكلام ويشهد بعضه لبعض. ولفظ «عهدي» إذا كان مشتركاً وجب أن يحمل على كل ما يصلح له ويصلح أن يكون عبارة عنه، فيقال: إن الظاهر يقتضي أن كل ما يتناوله اسم العهد لا ينال الظالم، ويجرى ذلك مجرى قول القائل: لا ينال عطائي الأشرار، في أن الظاهر يقتضي أن جنس عطائه لا يناله شرير ولا يختص بعطاء دون عطاء. وذرية إبراهيم انتهت إلى محمد وعلي(ع)، لأنهما لم يسجداً لمن لا يستحق السجود. الدليل على ذلك ما رواه الفقيه المغازلي في كتابه كتاب المناقب بإسناده إلى عبد الله بن مسعود قال: قال رسول الله(ص): أنا دعوة إبراهيم. قلت: يا رسول الله كيف صرت دعوة أيبك إبراهيم؟ قال: أوحى الله عز وجل إلى إبراهيم «إني جاعلك للناس إماماً» فاستخف إبراهيم الفرح، قال: يا رب ومن ذريتني أئمة مثلي؟ فأوحى إليه يا إبراهيم إني لا أعطيك عهداً لا أفي به. قال: يا رب ما العهد الذي لا تفي به؟ قال: لا أعطيك لظالم من ذريتك عهداً. قال إبراهيم عندها: «واجتنبني وبنی أن نعبد الأصنام رب إنهن أضللن كثيراً من الناس». قال النبي(ص): وانتهت الدعوة إلى وإلى علي، لم يسجد أحدنا لصنم، فاتخذني نبياً وعلياً وصياً. وعلى بن أبي طالب هو الإمام باللفظ الجلي دون الإلتزام الخفي بنقل الفريقين، ...

۶- استشهادات به آیه ابتلا پیرامون امامت در دوره جدید

عالمان شیعه در دوره‌های متأخر و معاصر، آیه ابتلا حضرت ابراهیم(ع) را که به نصب حضرت ابراهیم(ع) از جانب خداوند به مقام امامت پس از چندین بار امتحان اشاره دارد، کاملاً پیرامون مسئله امامت شیعی و از دلایل قرآنی الهی بودن نصب امام و لزوم معصوم بودن امام می‌دانند (به عنوان نمونه نک: ربانی گلیپاگانی، ۱۳۸۴ش؛ صدر، ۱۳۸۶ش؛ اسعدی، ۱۳۸۹ش، همگی سراسرمتن)؛ و تفسیرها و تأویلاتی را از واژه امامت به معنای: رهبری سیاسی، ولایت باطنی، امامت جهانی و نبوت، ابراز نموده‌اند. به عبارت دیگر، در دوره جدید، تقریباً تمامی نوشته‌هایی که پیرامون امامت بحث قرآنی و کلامی کرده‌اند، به بعضی آیات قرآن، از جمله آیه ابتلا حضرت ابراهیم(ع) به عنوان دلیل محکمی بر اثبات مسئله امامت و برخی از مختصات امامت، پرداخته‌اند. چون تعداد این نوشته‌های غیر مستقل و آثاری که به این مسئله اشاره داشته‌اند بسیار زیاد است (نک: استادی، ۱۴۰۱ش؛ ص، ۸۳ - ۱۰۹)، از ذکر آنها خودداری می‌شود.^۱

۱. برخی از مقالاتی که به صورت اختصاصی و مستقل به آیه ابتلا حضرت ابراهیم(ع) پیرامون مسئله امامت پرداخته‌اند، به ترتیب تاریخ انتشار عبارتند از: ۱. ربانی گلیپاگانی، علی (۱۳۸۴ش)، «آیه ابتلا حضرت ابراهیم(ع)، کلام اسلامی، شماره ۵۴. ۲. توره، یوسف (۱۳۸۶ش)، بررسی تطبیقی آیه ابتلا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز جهانی علوم اسلامی. ۳. صدر، سید موسی (۱۳۸۶ش)، «درنگی در آیه امامت ابراهیم(ع)»، پژوهش‌های قرآنی، سال ۱۳، شماره ۴۹ - ۵۰. ۴. غلامی، اصغر (۱۳۸۶ش)، «مفهوم امامت در پرتو آیه ابتلا حضرت ابراهیم(ع)»، سفینه، شماره ۱۷. ۵. اسعدی، محمد (۱۳۸۹ش)، «تبیین امامت قرآنی به مثابه مقامی مستقل از نبوت با تأکید بر آیه ابتلا»، قرآن شناخت، سال ۳، پاییز شماره ۲ (پیاپی ۶). ۶. فاریاب، محمدحسین (۱۳۹۰ش)، «تأملی در نظریه علامه طباطبائی در مفهوم امامت در آیه ابتلا»، معرفت کلامی، سال ۲، بهار شماره ۱ (پیاپی ۵). ۷. خان‌صنمی، فاطمه (۱۳۹۱ش)، تحلیل رتبه امامت در آیه ابتلا (آیه ۱۲۴ سوره بقره)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد (استاد راهنما: فتح‌الله نجارزادگان، استاد مشاور: رضا برنجکار)، دانشکده علوم حدیث. ۸. راد، علی و پریسا عطایی (۱۳۹۳ش)، «مصادق شناسی «کلمات» در آیه ابتلا»، قرآن شناخت، سال ۷، پاییز شماره ۲ (پیاپی ۱۴). ۹. خواجه پوربنادکی، کمال (۱۳۹۴ش)، «تحلیل و بررسی نظریه علامه طباطبائی در تفسیر واژه امام در آیه شریفه ابتلاء»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. ۱۰. حسین‌زاده، خدیجه و حسن صادقی (۱۳۹۶ش)، «ماهیت امامت در قرآن از دیدگاه مفسران اهل سنت در ذیل آیه ابتلاء»، مطالعات تفسیری، سال ۸، ش ۳۰. ۱۱. حسین‌زاده، خدیجه و سید احمد موسوی‌باردنی (۱۳۹۶ش)، «آیه ۱۲۴ بقره و حقیقت امامت از دیدگاه مفسران شیعه»، نامه جامعه، ش ۴ (۱۳۹۶). ۱۲. نیل‌ساز، نصرت و صدیقه ملک‌لو (۱۳۹۶ش)، «جریان شناسی تفاسیر فریقین نسبت به آیه ۱۲۴ سوره بقره در مسئله امامت»، مطالعات قرآن و فرهنگ اسلامی، شماره ۳ (۱۳۹۶) ->

۷- جمع بندی

با توجه به سیر تاریخی استشهدات به آیه ابتلای حضرت ابراهیم(ع) در مسئله امامت، که پیش تر گذشت، به نظر می رسد که می توان این جمع بندی را مطرح نمود که استشهدات به این آیه برای اثبات مسئله امامت، وضعیتی «پسینی» و جدید نسبت به قرون نخستین دارد؛ به این معنی که با گذشت زمان و ظهور مجادلات فرقه ای و مذهبی اسلامی میان شیعه و عامه در قرون میانی، استدلال و استشهدات به آیه ابتلای ابراهیم(ع)، شکل گرفته و در قرون بعدی نیز، پر رنگ شده است.

به عبارت دیگر، به نظر می رسد که با توجه به شکل گیری حکومت و سلسله ایرانی و شیعی آل بویه در خلال سال های ۳۲۲ تا ۴۴۸ق، بر بخش بزرگی از ایران و عراق و جزیره العرب تا مرزهای شمالی شام، مذهب شیعه آن چنان تقویت شد که مبانی و شعائر آن به صورت گسترده، تغییرات علمی ویژه ای یافت^۱ (برای اطلاع

۱۳۰. بیات، فرزانه، مهدی جلالی و عباس اسماعیلی زاده (۱۳۹۶ش)، «تناسب آیه امامت حضرت ابراهیم(ع) در سورة بقره با فضای نزول سوره»، پژوهش های قرآنی، سال ۲۲، پاییز ش ۳. ۱۴. علیزاده، نگین، و سیدرضا مودب، کاظم رحمان ستایش (۱۳۹۶ش)، «بررسی تطبیقی و تحلیلی آراء تفسیری علامه معرفت و ابن عاشور ذیل آیه امامت»، پژوهش های تفسیر تطبیقی، پاییز و زمستان پیاپی ۶. ۱۵. رضایی هفتادر، حسن، صحرانی و کمال اردکانی، و باباله محمدی نبی کندی (۱۳۹۷ش)، «بررسی تطبیقی آیه ۱۲۴ سورة بقره از نگاه مفسران فریقین»، پژوهش های تفسیر تطبیقی، دوره ۴، ش ۷. ۱۶. اکبری، محمد و سیدمعصومه رسولی (۱۳۹۸ش)، «بررسی مفهوم و مصداق واژه امام در آیه ابتلا از منظر علامه طباطبایی(ره)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم: دانشکده علوم قرآنی. ۱۷. علیانسنب، سید ضیاء الدین و زهرا قائمی امیری (۱۴۰۱ش)، «بررسی و نقد دیدگاه سید محمد حسین فضل الله در معنای امامت ذیل آیه ابتلا (بقره ۱۲۴)»، شیعه پژوهی، پاییز و زمستان شماره ۲۳.

۱. به عنوان نمونه، حکومت آل بویه برای رونق شعائر شیعه امامیه، اهتمام فراوان ورزید؛ به طوری که مراسم عزاداری امام حسین(ع) در عاشورا و جشن ولایت حضرت علی(ع) در غدیر خم را با «شکوه و عظمت» برپا می کردند. همچنین در پرتو حکومت این سلسله ایرانی، قبور ائمه شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد؛ و سنت زیارت مشاهد شریفه، رو به گسترش بی سابقه نهاد.

بیشتر، نک: سجادی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۳۹۸). در این دوران، تمرکز و علاقه به مباحث کلامی امامیه در محافل علمی شیعه پررنگ شد و عقل‌گرایانی همچون شیخ مفید و شریف مرتضی، پیشگام اصول کلامی شیعی شدند. در این میان، مفسران شیعی نیز، بیشتر به شناسایی تعبیر قرآنی که به امامان مرتبط باشد و به اصول اعتقادی آنان متمایل شود، روی آوردند؛ و از سوی دیگر، خیلی کم به تفاسیر تمثیلی فاقد اشاره به مبانی تشیع پرداختند؛ ایشان اهم وظیفه خود را پشتیبانی مبانی شیعه فرض نمودند. از این پس بود که مفسران شیعه، برای اثبات اصول امامت، به وفور به آیات قرآن استشهد نمودند و سعی و تلاش فراوان کردند تا تفاسیر و آثار خود را با آموزه‌های شیعی شکل گرفته در آن دوره، هماهنگ کنند؛ و البته ویژگی‌های منحصر به فردی را به امامان و نیز اصل امامت، منسوب نمایند؛ به طوری که برای پشتیبانی از آن‌ها، به تفاسیر خاص از آیات قرآن تمسک جستند که پیش‌تر وجود نداشت یا لااقل رایج نبود.

همچنین، طبق اسناد و گزارشات موجود تاریخی و تطبیق متون تفسیری، می‌توان گفت که در این دوران بود که استناد امامیه به آیات قرآن برای موضوعات ویژه امامت، شکل گرفتند؛ موضوعاتی همچون: تفاوت امام و نبی، عصمت امامان، شفاعت، علم امام و ارتباط او با وحی، وجود ازلی امام و امثال آن. از طرفی چون واژه امامت، صریحاً در قرآن ذکر نشده بود، مفسران امامیه ناچار شدند تا به اشارات مبهم آیات قرآن به مسئله امامت روی آورند؛ و این رویکرد در تشیع، به شکل‌گیری تفاسیر تمثیلی و تأویلی برای آیات قرآن منجر گشت (به عنوان نمونه نک: عسکرسمنانی، ۱۳۹۶ش، سراسر متن).

البته تأیید این مطالب، خدشه‌ای به دلایل دیگر مسئله امامت وارد نمی‌کند؛ چرا که دلایل متعددی برای اثبات مسئله امامت در روایات و آیات قرآن کریم وجود دارد و

در واقع این اطلاع را در اختیار ما قرار می‌دهد که استشهاد به آیه ابتلاء، استدلالی مستحده است که در یک تطور تاریخی و فرقه‌ای شکل گرفته است و لازم است در استدلال‌های دوره معاصر به این آیه در مسئله امامت، متذکر شویم که استشهاد و استدلال به آیه ابتلای ابراهیم(ع)، از دست‌آوردهای دانشی میانی و متأخر کلامیان و مفسرین شیعه است، که با ملاحظاتی می‌تواند پشتیبان جنبی در حقانیت آموزه‌های امامتی باشد.

نتیجه

۱- برای جست‌وجو در منابع با هدف توجه به اولین استشهادات بر آیه ابتلای حضرت ابراهیم(ع)، سه دسته از منابع قابل بررسی هستند؛ منابع کلامی، منابع تفسیری و منابع حدیثی، که نتایج این جست‌وجوها عبارت‌اند از: الف - از شش معصوم(ع) در رابطه با آیه ابتلای ابراهیم(ع)، روایاتی نقل شده است که با مسئله امامت مرتبط است، اولین حدیث به نسبت شخص امام، حدیثی از امام باقر(ع) در تفسیر فرات کوفی(م ۳۵۲ق) است. اما اولین حدیث به نسبت تاریخ کتاب، دو وضعیت دارد؛ اگر کتاب بصائر الدرجات منسوب به صفار قمی(م ۲۹۰ق) را اصیل بدانیم، اولین حدیث استشهاد شده به مسئله امامت، از این کتاب است. ولی اگر این کتاب را اصیل ندانیم، که همین درست است، اولین روایت و حدیث استشهادی به مسئله امامت از کتاب تفسیر عیاشی(م ۳۲۰ق) و نیز کافی کلینی(م ۳۲۹ق) است. ب - با توجه به بررسی‌ها و یافته‌های ما در منابع کلامی و امامتی از قرن اول تا انتهای قرن چهارم، جدای از کتاب الایضاح که انتساب آن به ابن‌شاذان(م ۲۶۰ق) مشکوک و به احتمال قوی نادرست است، به نظر می‌رسد که اولین کتاب کلامی که به آیه ابتلای ابراهیم(ع) استناد نسبتاً

روشن و مشخصی دارد، کتاب شرح الاخبار اثر قاضی نعمان مغربی (م ۳۶۳ق) است؛ که البته فصول نسخ خطی این کتاب، مخدوش و محل گفت‌وگو است. ج - در کتاب‌های تفسیری کهن نیز، اثری از استناد به آیه ابتلاء به عنوان مسئله امامت با مفهوم خاص شیعی نیست؛ اما وقتی به قرن چهارم هجری می‌رسیم، در دو تفسیر قرن چهارم، یعنی تفسیر عیاشی و تفسیر فرات به مطالبی مرتبط با مسئله امامت ذیل آیه ابتلای ابراهیم (ع) برمی‌خوریم. د - در این میان، قابل توجه است که، استناد به آیه ابتلای ابراهیم (ع) برای مسئله امامت، در آثار میانی شیعه، اعم از کلامی، تفسیری و حدیثی، متعدد و پرشمار شده‌اند. در دوره معاصر نیز، تقریباً تمامی نوشته‌هایی که پیرامون امامت بحث می‌کنند به آیات قرآن، من جمله آیه ابتلای ابراهیم (ع) به عنوان دلیل محکمی بر اثبات مسئله امامت و برخی از مختصات آن، پرداخته‌اند.

۲- با توجه به سیر تاریخی استشادات به آیه ابتلای حضرت ابراهیم (ع) در مسئله امامت، می‌توان این نکته را مطرح نمود که استشهاد به این آیه برای اثبات مسئله امامت، وضعیتی «پسینی» و جدید نسبت به قرون نخستین اسلامی دارد؛ به این معنی که با گذشت زمان و ظهور مجادلات فرقه‌ای و مذهبی قرون ابتدایی اسلام میان شیعه و عامه، استشادات به آیه ابتلاء، در یک تطور «تاریخی - فرقه‌ای» شکل گرفته و در قرون بعدی برجسته‌تر شده است. بنابراین لازم است در استدلال‌های دوره معاصر به این آیه، متذکر باشیم که این استشهاد، از دستاوردهای دانشی میانی و متأخر کلامیان و مفسرین شیعه است، که می‌تواند «پشتبان جنبی» در حقانیت آموزه‌های امامت، قرار گیرد.

کتابنامه

- ابن جبیر، علی بن یوسف (۴۱۸ق)، *نهج الایمان*، قم: چاپ ستاره.
- ابن شاذان، فضل (۱۳۵۱ش)، *الایضاح*، منسوب به ابن شاذان، به کوشش جلال الدین محدث، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۷۷ش)، *إقبال الأعمال*، المحقق جواد القیومی الاصفهانی، قم: مرکز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامی.
- استادی، کاظم (۱۴۰۰ش)، ج، «بازشناسی مؤلف کتابی که المسترشد خوانده می شود»، پژوهش های قرآن و حدیث، دوره ۵۴، اسفند شماره ۲، ص ۲۶۹-۲۹۳.
- _____ (۱۴۰۱ش)، ص، «مأخذشناسی توصیفی آثار جدید درباره آیه امامت ابراهیم (ع) (آیه ۱۲۴ سوره بقره)»، دانش ها و آموزه های قرآن و حدیث، سال ۵، شماره ۱۷، ص ۸۳-۱۰۹.
- _____ (۱۴۰۱)، ظ، «بررسی تاریخیچه استدلال به آیه ابتلای ابراهیم(ع) در منابع کلامی و امامتی کهن شیعی برای مسأله امامت»، پژوهشنامه کلام تطبیقی شیعه، دوره ۴، شماره ۶، صص ۲۶۵-۲۹۲.
- _____ (۱۴۰۲ش)، ک، «ارزیابی نسبت مفهوم اصطلاحی امامت در آیه ابتلای ابراهیم(ع) مبتنی بر روایات شیعه»، پژوهشنامه معارف اهل بیت(ع)، دوره ۲، شماره ۵، صص ۳۲-۵۶.
- _____ (۱۴۰۳ش)، «آیه ابتلا (بقره/۱۲۴) و رد پای مسئله امامت در تفاسیر کهن شیعی»، پژوهش های تفسیر تطبیقی، دوره ۱۰، شماره ۱۹، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۱ دی ۱۴۰۲ش.
- اسعدی، محمد (۱۳۸۹ش)، «تبیین امامت قرآنی به مثابه مقامی مستقل از نبوت با تأکید بر آیه ابتلا»، قرآن شناخت، سال ۳، پاییز شماره ۲ (پیاپی ۶).

اسماعیلی، مهران و ربابه نبی الهی (۱۳۹۷ش)، «بررسی تطبیقی تفسیر کلامی آیات امامت در تفاسیر اثنا عشریه و زیدیه تا پایان دوره آل بویه»، آئینه معرفت، بهار شماره ۵۴، ص ۶۳-۷۹.

انصاری، حسن (۱۳۸۸ش)، «تبارشناسی کتاب بصائر الدرجات و نویسنده آن»، کتاب ماه دین، شهریور ش ۱۴۳.

بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بعثت.
براشر، مئیر (۱۳۹۹ش)، قرآن و نخستین ادوار تفسیری شیعه امامیه، تهران: حکمت.
جاحظ، عمرو بن بحر، و ابوملح، علی (۲۰۰۲م)، رسائل الجاحظ: الرسائل السياسية، بیروت: دار و مكتبة الهلال.

جباری، محمدرضا (۱۳۸۴ش)، مکتب حدیثی قم، قم: کنگره بزرگداشت حضرت فاطمه معصومه.
الحلبی، أبو الصلاح (۱۴۱۷ق)، تقریب المعارف، قم: الهادی.
ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۴ش)، «آیه ابتلای ابراهیم»، کلام اسلامی، شماره ۵۴.
سجادی، صادق (۱۳۶۹ش)، «آل بویه»، در دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۱ق)، قاموس الرجال، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
صدر، سید موسی (۱۳۸۶ش)، «درنگی در آیه امامت ابراهیم (ع)»، پژوهش های قرآنی، سال ۱۳ شماره ۴۹ - ۵۰.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی صدوق، تهران: کتابچی. نیز: همان، تهران: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسة البعثة، بی تا.

_____ (۱۳۷۹ق)، معانی الأخبار، قم: جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیه.

_____ (بی تا)، عیون الأخبار، تهران: جهان.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، منسوب به صفار قمی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

بررسی پیشینه استشهادات به آیه ابتلای ابراهیم (ع) در مسئله امامت / کاظم استادی ۳۷

طبرسی منسوب به أحمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، تعلیق السید محمد باقر الخراسان، مشهد: المرتضی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ق)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ (۱۴۱۴ق)، *الرسائل العشر*، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

عسکرمنائی، پریسا (۱۳۹۶ش)، «بررسی درون مایه کتاب قرآن و تفسیر در نخستین ادوار

شیعه / امامیه»، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال اول، تابستان ش ۲.

عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: المطبعة العلمية.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کوفی، فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران: وزات الثقافة.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.

مدرسی طباطبائی، حسین (۱۳۹۴ش)، *مکتب در فرآیند تکامل*، مترجم هاشم ایزد پناه،

تهران: کویر.

مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۱۴ق)، *شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام*، قم:

جامعه مدرسین.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *الافصاح*، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *کتاب الغیبة*، (تحقیق علی اکبر غفاری)، تهران: نشر صدوق.

Bibliography

Ibn Jubeir, Ali Ibn Yusuf (1418 AH), Nahj al-Iman, Qom: Star Press. [In Arabic]

Ibn Shazan, Fazl (1351), Al-Aydah, attributed to Ibn Shazan, by Jalal al-Din Muhaddith, Tehran: University of Tehran. [In Arabic]

Ibn Tawoos, Ali Ibn Musa (1377), Iqbal al-Aqmael, researcher Javad Al-Qayyumi al-Isfahani, Qom: Al-Nashar Al-Tabai Publishing House of Al-Alam Al-Islami Library [In Arabic].

- Ostadi, Kazem (1399), Z., "Ayah Tabla Ibrahim in ancient Shiite interpretations and the issue of Imamate", manuscripts, Qom: Reza Ostadi Library. [In Persian]
- Ostadi, Kazem (1399), i, "Narratives under the verse of Abraham's affliction and the issue of Imamate", manuscripts, Qom: Reza Ostadi Library. [In Persian]
- Ostadi, Kazem (1399), 2, "Ayah Tableh in ancient Shia theological and Imamate sources and the issue of Imamate", Manuscripts, Qom: Reza Ostadi Library. [In Persian]
- Ostadi, Kazem (1400), Ch., "Identifying the author of a book called al-Mustarashed", Qur'an and Hadith Researches, Volume 54, Isfand No. 2, pp. 293-269. [In Persian]
- Ostadi, Kazem (1401), p., "Descriptive etymology of new works about the verse of the Imamate of Abraham (AS) (verse 124 of Surah Baqarah)", Knowledge and Teachings of the Qur'an and Hadith, year 5, number 17, pp. 109-83. [In Persian]
- Asaadi, Muhammad (2009), "Explanation of the Quranic Imamate as an authority independent of prophethood with an emphasis on the verse of affliction", Qur'an Knowledge, year 3, autumn number 2 (6 series).[In Persian]
- Ismaili, Mehran and Rababe Nabi Elahi (2017), "Comparative study of the theological interpretation of the verses of Imamate in the Tafsirs of the 12th century and Zaidiyyah until the end of the Al-Buyeh period", Aine Ma'raft, Spring, No. 54, pp. 79-63. [In Persian]
- Ansari, Hassan (1388), "The Genealogy of the Book of Basa'er al-Darjad and its Author", Mah Din Book, Shahrivar 143. [In Persian]
- Bahrani, Sayyed Hashem (1415 AH), Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran: Ba'ath. [In Arabic]
- Brasher, Meir (1399), The Qur'an and the First Exegetical Periods of Shia Imamia, Tehran: Hikmat. [In Persian]
- Jahiz, Amr bin Bahr, and Abu Malham, Ali (2002), Rasael al-Jahiz: Rasael al-Siyasiya, Beirut: Dar and Maktaba al-Hilal. [In Arabic]
- Jabari, Mohammad Reza (1384), Hadith School of Qom, Qom: Congress of Commemoration of Hazrat Fatima Masoumeh. [In Persian]
- Al-Halabi, Abu al-Salah (1417 A.H.), Al-Maarif, Qom: Al-Hadi. [In Arabic]
- Rabbani-Golpaigani, Ali (2004), "Ayeh Tablai Ibrahim", Kalam Islami, No. 54.
- Sajjadi, Sadiq (1369), "Al-Boyeh", in Islamic Encyclopedia, Tehran: Islamic Encyclopedia Center. [In Persian]
- Shushtri, Muhammad Taqi (1411 AH), Al-Rajal Dictionary, Qom: Islamic Publications Office. [In Arabic]
- Sadr, Seyyed Musa (1386), "A delay in the verse of Imamate of Ibrahim (PBUH)", Quranic researches, year 13, number 49-50. [In Persian]
- Sadouq, Mohammad Bin Ali (1376), Amali Sadouq, Tehran: Katabchi. Also: the same, Tehran: Islamic Studies Section - Al-Baath Institute, Beta. [In Arabic]

- Sadouq, Muhammad bin Ali (1379 AH), Ma'ani al-Akhbar, Qom: Jamia Modaresin. [In Arabic]
- Sadouq, Muhammad bin Ali (1395 AH), Kamal al-Din and Tammam al-Neema, Tehran: Islamia. [In Arabic]
- Sadouq, Mohammad Bin Ali (Beta), Eyes of News, Tehran: Jahan. [In Arabic]
- Safar, Muhammad bin Hassan (1404 AH), Basair al-Darraj, attributed to Safar Qomi, Qom: Ayatollah Marashi Library. [In Arabic]
- Tabarsi attributed to Ahmed bin Ali (1403 AH), al-Ihtjaj, commentary by Sayyid Muhammad Baqir al-Khorsan, Mashhad: al-Mortaza. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1408 AH), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Dar al-Marafah. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1376 AH), Al-Tabayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut: Darahiya al-Trath al-Arabi. [In Arabic]
- Tousi, Muhammad bin Hassan (1414 AH), Al-Rashay al-Ashhar, Qom: Al-Nashar Islamic Publishing House. [In Arabic]
- Ameli, Muhammad bin Hasan (1409 AH), Vasal al-Shia, Qom: Al-Al-Bayt Foundation. [In Arabic]
- Askarsmanani, Parisa (2016), "Examination of the content of the Qur'an and its interpretation in the first periods of Shia Imamia", Quranic studies and Islamic culture, first year, summer of 2016. [In Persian]
- Ayashi, Muhammad bin Masoud (1380 AH), Tafsir Al-Ayashi, Tehran: Al-Mattaba Al-Elamiya. [In Arabic]
- Kilini, Muhammad bin Yaqub (1363), Al-Kafi, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [In Arabic]
- Kufi, Firat ibn Ibrahim (1410 AH), Tafsir Firat al-Kufi, Tehran: Vazat al-Taqqah.
- Majlisi, Mohammad Baqer (1403 AH), Bihar al-Anwar, Beirut: Al-Wafa Foundation. [In Arabic]
- Madrasa Tabatabayi, Hossein (2014), School in the process of evolution, translated by Hashim Izad Panah, Tehran: Kavir. [In Persian]
- Maghribi, Noman bin Muhammad (1414 AH), Sharh al-Akhbar fi Fadael al-Imam al-Athar, peace be upon him, Qom: Jamia Madrasin. [In Arabic]
- Mofid, Muhammad bin Muhammad bin Nu'man (1413 AH), Al-Afsah, Qom: Al-Naghreez Al-Alami for Sheikh Al-Mofid. [In Arabic]
- Nomani, Muhammad bin Ibrahim (1397), Kitab al-Ghaibah, (Ali Akbar Ghafari's research), Tehran: Sadouq Publishing. [In Arabic]



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی